

## پیشگفتار

الحمد لله الذي أنزل القرآن للذكر و يسره، والصلاة و السلام على محمد عبده و رسوله  
القائل: «إنّ الماهر بالقرآن مع الكرام البررة»، و على آله و صحبه أئذین و عو القرآن فی  
صدورهم المطهرة.

کتاب حاضر - که به نظر گرامی اساتید و دانشجویان عزیز می‌رسد - ترجمه و شرح و  
احیاناً تعلیقاتی است مربوط به کتاب البرهان فی تجوید القرآن از محمدصادق  
قمحاوی، که هم‌اکنون، هم متن، و هم ترجمه و شرح، و با کیفیت مطلوبی برای  
اولین بار تهیه، چاپ و منتشر می‌شود.

توجه به نکات زیر، برای آشنایی به کیفیت ترجمه و شرح، ضروری است:

۱. ترجمه و شرح مزبور هم‌زمان با تدریس متن و در کنار اشتغالات متراکم  
دیگر در سال ۱۳۶۳ ه. ش فراهم آمده است، و امکان دارد لغزشهایی در املاء و  
تعبیر و بیان، و اشتباهاتی اندک در آن وجود داشته باشد. و چون فرصتی کافی در  
اختیارم نبود دقتهای لازم در تحریر و تجدید نظر در آن، مبذول نشد.

۲. آیاتی که برای شاهد مثال یاد شده، فقط به‌عنوان نمونه‌ای از آیات است.  
ممکن است آیات دیگری شامل بر کلمات مشابه با کلمات موجود در متن دیده  
شود، و نباید تصور کرد که وجود این کلمات را باید طی آیاتی یافت که در  
پاورقیها درج شده است.

۳. محتوای این کتاب غالباً بر روند نظریات شمس‌الدین محمد بن محمد،  
معروف به «ابن الجزری» است؛ لذا از ذکر منبع و نگارش آن غالباً در پاورقی  
خودداری شد. و به همین جهت می‌توان گفت که آراء دیگری در تجوید و مسائل  
آن مطرح است که در کتاب حاضر به طور کافی منعکس نشده است، اصل

کتاب دارای حجم بسیار اندکی و حدود یک دهم ترجمه و شرح و تعلیق می باشد. ۴. این کتاب شامل بخش عمده‌ای از مسائل مربوط به تجوید قرآن کریم است. منتها فشرده تحریر شده، و بسط مقال در زمینه آنها را به زمانی حواله می دهیم که توفیق الهی نصیب این بنده ناتوان شود، ان شاء الله.

امیدوارم خداوند متعال به همه ما توفیق عنایت فرماید که کتاب او را بهتر و بیشتر بخوانیم و بشناسیم، و از رهگذر عمل به مضامین آن، شاهد سعادت و عزت دنیا و آخرت را در آغوش گرفته، و از قرب جوار پروردگار برخوردار شویم.

به امید پیروزی مسلمین و امت جمهوری اسلامی ایران که در جهت اعتلای کلمه حق و حفظ حریم قرآن کریم، نستوهانه مقاومت می کنند و با آرزوی تحقق کامل منویات و آرمانهای امام بزرگوار و رهبر خردمند و فرزانه و پیوستن انقلاب اسلامی به قیام و انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخن را به پایان برده و برای همه عزیزان، توفیق در امر دین و دانش را آرزو می کنم.

سید محمدباقر حجتی

۱۳۷۷/۷/۴

## دیباچه کتاب

### وَرَتَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً

ستایش مطلق و سپاس حقیقی، به ویژه، از آن خدایی است که از میان بندگان خود، اقوام و گروههایی را به عنوان مسلمان و حامل و نگاهدار و نگاهبان کتاب و نبشتار آسمانی اش برگزید، و آنان را بر آن داشت که به تجوید و نیکو تلاوت کردنش روی آورده و به محتوا و مضامین آن عمل کنند؛ و در سایه کوشش و پایمردی شان در تجوید قرآن کریم و التزام به مضامین آن، عطایای بی شمار و مراتب رضای کامل خویش را متوجه آنان کرده، و آنها را با نصیبی وافر و حظّ و بهره ای فراوان از احسان و رضوان خود برخوردار کرد. خدایی را تقدیس می کنم که کریم و بزرگواری و وهاب و بخشایشگر است، و اهل قرآن را بر همه اهل عالم، فضیلت و برتری مقام و علو مرتبت مرحمت فرمود.

شهادت و گواهی می دهم که جز خدای یگانه هیچ اله و معبودی دگر، سزای پرستش و بندگی نیست. شهادتی که در سایه آن از هر گونه وسوسه و تباهی آفرینها و فتنه انگیزیهای شیطان و ابلیس مآبان می رهیم، و به مدد آن به عالی ترین درجات دست یافته و سرفراز می شویم.

و نیز شهادت و گواهی خود را بدین سان از ژرفای جان و درون اعلام می دارم که سید و سرور ما محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) یکی از بندگان خدا و رسول و فرستاده مسؤل اوست که مأمور به تبلیغ احکام خدای متعال به مردم بوده و نیز فردی است که خدا او را از میان مردم برگزیده، و وی را به عنوان خلیل و دوست راستین خویش انتخاب کرده است. پیامبری که از میان خلائق گزین شده و

سفیر و واسطه پیام، میان او و بندگانش است. درود بر چنین پیامبری که فرمود:  
 «خَيْرُكُمْ [یا] خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»<sup>۱</sup> «بهترین افراد در میان شما عبارت از  
 کسی است که قرآن کریم فرا گرفته و آن را به دیگران تعلیم داده است.»

و نیز فرموده است:

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ مَعَ رَبِّهِ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ.» «آن که می خواهد با رب و خداوندگار خود  
 گفتگو کند، باید به قرائت قرآن روی آورد.»

خداست که بهترین سرور و یاور انسان است.

و درود بر اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) [که حاملان و مفسران  
 و ثقل و همتای گرانبهای قرآن کریم هستند].

این رساله را به البرهان فی تجوید القرآن نامبردار کردم، و آن را به صورت  
 «نثر» همراه با شواهدی از کتاب التحفة<sup>۲</sup> و المقدمة الجزریة<sup>۳</sup> مرتب نمودم. آن گاه در  
 ذیل هر مبحثی سؤالاتی به عنوان امتحان و آزمون مطرح کردم؛ به امید اینکه این  
 کوشش در روزگاری به کار آید که: لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

۱. الامالی، ج ۱، ص ۳۶۷، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۴۷. این حدیث را بخاری در فضائل القرآن،  
 ج ۶، ص ۲۳۶، و ترمذی نیز در فضائل القرآن، حدیث ۲۹۰۹، و ابن ماجه در سنن یعنی مقدمه  
 (باب فضل من تعلم القرآن، حدیث ۲۱۱) یاد کرده اند. (رک: هامش سنن ابی داود، ج ۲،  
 ص ۱۴۷). و نیز بنگرید به النشرفی القراءات العشر، ج ۱، ص ۴-۳.

۲. این کتاب به نام تحفة الاطفال از سلیمان جمزوری (زنده در ۱۱۹۸ ه.ق) است که در تجوید  
 قرآن نگاشته، و در همین سال نظم آن را به پایان رسانده است. وی کتابهای دیگری دارد به نام  
 فتح الاطفال بشرح تحفة الاطفال و الفتح الرحمانی بشرح کنز تحریر حرز الامانی، در قراءات.  
 (رک: ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۲۴۱؛ معجم المؤلفین، ج ۴، ص ۲۵۷).

۳. کتاب مذکور، از آن شمس الدین محمد جزری (۷۵۱-۸۳۳ ه.ق) می باشد و منظومه ای است در  
 ۱۰۷ یا ۱۰۹ بیت که شروع فراوانی بر آن نگاشتند. به نظر ابن الجزری، قاری قرآن قبل از قرائت  
 آن باید با محتوای این منظومه آشنایی به هم رساند (بنگرید به کشف الظنون، ص ۱۷۹۹.  
 کشف الفهارس، از نگارنده، ج ۱، ص ۴۲۴-۴۲۵). این کتاب که منظومه ای از شمس الدین  
 محمد بن محمد جزری (۷۵۱-۸۳۳ ه.ق) به صورت «ارجوزه» و در تجوید سروده شده است.  
 (رک: الاعلام، زرکلی، ج ۷، ص ۲۷۵).

[و مرا ذخیر و توشه‌ای در چنین روزی باشد.]

چنان که در پیشگفتار ملاحظه فرمودید، این شرح در سال ۱۳۶۳ ه.ش انجام گرفت و تاکنون به چاپ آن اقدام نکردم. اما چون دیدم در میان سیاهه‌های دیگر ممکن است از میان برود، درصدد برآمدم آن را با زیور طبع بیارایم.

## مقدمه

### فهرست مطالب

گذری بر مبادی تجوید قرآن کریم

۱. تعریف تجوید

۲. حکم تجوید

۳. موضوع تجوید

۴. فضل و شرف و اهمیت علم تجوید

۵. واضع و بنیان گذار علم تجوید

۶. فایده تجوید

۷. مأخذ و سند علم تجوید

۸. نام و عنوان این علم

۹. مسائل علم تجوید

۱۰. هدف و غرض از علم تجوید

لحن و اشتباه در قرائت و انواع آن

۱. لحن جلی و آشکار

۲. لحن خفی و پنهان

مراتب و درجات قرائت قرآن کریم

۱. ترتیل

۲. تحقیق

۳. حذر

۴. تدویر

سؤالهای تمرینی درس «مقدمه»

## مقدمه

### گذری بر مبادی تجوید قرآن کریم

هر علم و فنی دارای ده اصل و بنیاد اولیه‌ای است [که باید قبل از ورود در آن علم و فن، راجع به آنها آگاهی به هم رسانده]. این ده اصل و یا «مبادی ده‌گانه علم تجوید» به شرحی است که از این پس یاد می‌شود:

#### ۱. تعریف تجوید

تجوید از نظر لغوی به مفهوم تحسین و نیک گرداندن و آفرینش خلوص و پاکیزگی و زیبایی و درستی در هر امر است. و آن‌گاه که گفته می‌شود: «جَوَدَتِ الشَّيْءُ» به این معنا است که آن چیز موردنظر را نیک و مرغوب و زیبا و پاکیزه از هر نقص و عیب فراهم آورده و یا انجام داده‌ای.

اما تجوید اصطلاحاً عبارت از اخراج و برآوردن هر حرفی از مخارج آن، و نیز ادا کردن حق حروف و اعطای ویژگیهای شایسته و درخور آنها بدانها در تلفظ و گویش آنها است.

حق هر حرف عبارت از صفات و ویژگیهای ذاتی و خصوصیات جدایی‌ناپذیر آن است، مانند: جَهْر، شِدَّت، اسْتِعْلَاء، اسْتِفْهَال، غُنَّة، و امثال آنها که این‌گونه صفات، لازمه ذات و ماهیت حرف است و به هیچ‌وجه نمی‌توان صفات مذکور را از حرف جدا کرد، حتی اگر مقداری از این صفات در تلفظ هر حرفی که موردنظر است از آن سلب شود، آن حرف از صورت حرف موردنظر خارج می‌شود و به صورت حرف دیگری

---

۱. چون این اصطلاحات مشروحاً تعریف خواهد شد عجلتاً به ذکر اجمالی آنها اکتفا می‌شود.

درمی آید که تلفظ آن حرف به عنوان «لحن» و تلفظی غلط و نادرست تلقی می‌شود. اما ویژگی‌هایی که شایسته و درخور هر حرف است، عبارت از صفات و خصوصیات ذاتی است که بر آن حرف عارض شده و از صفات و خصوصیات ذاتی حرف، ناشی می‌شود؛ مانند «تفخیم» که از «استعلاء» به هم می‌رسد، و «ترقیق»<sup>۱</sup> که از «استفال» حرف ناشی می‌شود، و بدین گونه سایر خصوصیات عارضی دیگر که از صفات ذاتی هر حرفی برمی‌خیزد.

## ۲. حکم تجوید

علم و آشنایی به تجوید به عنوان یک فرض و واجب کفایی<sup>۲</sup> بر مردم تکلیف شده است، که باید در این علم اطلاعات و آگاهی‌های دقیقی به دست آورند؛ اما عمل به تجوید از اهمیت فزون‌تری برخوردار است؛ چون عمل به آن بر هر کس که قرآن کریم را قرائت می‌کند - اعم از زن و مرد - واجب عینی است؛<sup>۳</sup> به دلیل اینکه خداوند متعال فرموده است:

وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً<sup>۴</sup> و قرآن کریم را - در حالی که حق حروف آن را در تلفظ ادا می‌کنی - شمرده و با درنگ و آشکار بر خوان.  
و نیز رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«أَقْرَأُ الْقُرْآنَ بِلُحُونِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا، وَإِيَّاكُمْ وَلِحُونِ أَهْلِ الْفُسُقِ وَالْكَبَائِرِ؛ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ أَقْوَامٌ مِنْ بَعْدِي يُرْجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغَنَاءِ وَالرُّهْبَانِيَّةِ وَالنُّوحِ، لَا يُجَاوِزُ

۱. چون راجع به «تفخیم و ترقیق» بحث و گفتگویی نسبتاً مفصل در پیش داریم، هم‌اکنون فقط به ذکر اجمالی آن بسنده کردیم.

۲. واجب کفایی بدین معناست که اگر فردی و یا افرادی از رهگذر انجام آن، نیاز جامعه را در ارتباط با آن تأمین کنند لزوم و وجوب انجام این تکلیف از عهده دیگران ساقط می‌شود.

۳. واجب عینی به گونه‌ای است که انجام آن از سوی دیگران، موجب سقوط تکلیف از هیچ فردی نمی‌شود.

۴. سوره مزمل، آیه ۴.

۵. الحان خ ل.



حَنَاجِرَهُمْ، مَفْتُونَةٌ قُلُوبُهُمْ وَقُلُوبٌ مِّنْ يُعْجِبُهُمْ شَأْنُهُمْ»<sup>۱</sup> «قرآن کریم را به لهجه و آواها و صوت عرب قرائت کنید، و از لهجه و آواهای آوازخوانان و فاسقان و آلودگان به گناهان بزرگ اجتناب ورزید؛ زیرا اقوامی پس از من خواهند آمد که صدای خود را برای قرائت قرآن در حنجره‌های خود به گردش آورند، به‌سان ترجیع و گرداندن صدا در آواز خواندن، و همانند خواندن رهبانان، و بدان‌گونه که مرثیه‌خوانان می‌خوانند. اگر قرآن کریم بدین‌سان قرائت شود از حنجره آنان فراتر نرود [و در پیشگاه خدا مقبول واقع نشود]. دل‌های آنان و دل‌های کسانی که راه و رسم آنان را در قرائت قرآن می‌پسندند، گرفتار فریب و نیرنگ و شیفتگی و جنون... و شیطان‌زدگی است.»

### ۳. موضوع تجوید

عبارت از کلمات و عبارات قرآن کریم است. اما عده‌ای هم می‌گویند: علاوه بر قرآن کریم، باید حدیث را نیز بر عنوان موضوع علم تجوید افزود.

### ۴. فضل و شرف و اهمیت علم تجوید

باید یادآور شد که علم تجوید شریف‌ترین علوم و پر ارزش‌ترین معارف به‌شمار است؛ چرا که این علم به شریف‌ترین و شکوهمندترین کتاب، یعنی قرآن کریم مربوط است.

### ۵. واضع و بنیان‌گذار علم تجوید

عبارت از قراء و پیشوایان و دانشمندی هستند که در قرائت قرآن کریم از اطلاعات وسیع و عمیقی برخوردار بوده‌اند.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۴۱۹. سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۱۵. القرآن فی احادیث الرسول و اهل بیته، ص ۷۹-۸۰. در الکافی به جای «لَا يُجَاوِزُ حَنَاجِرَهُمْ، قُلُوبُهُمْ مَفْتُونَةٌ...» آمده است: «لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيَهُمْ، قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةٌ...» که تراقی نیز جمع ترقوه به معنای «چنبره گردن و حنجره» و «مقلوبه» نیز به معنای واژگونه است. مرحوم کلینی در الکافی، این حدیث را از ابراهیم بن احمر، و او از عبدالله بن حماد، و او از عبدالله بن سنان، و او از ابی عبدالله امام صادق (علیه‌السلام) آورده که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حدیث یاد شده را ایراد فرمود.

۶. فایده تجوید

دستیابی به نیکبختی در دو سرا، و فوز به سعادت دنیا و آخرت است.

۷. مأخذ و سند علم تجوید

عبارت از کتاب و سنت است.

۸. نام و عنوان این علم

«علم تجوید» است.

۹. مسائل علم تجوید

عبارت از قواعد و ضوابط و یک سلسله قضایای کلی است که فرد از طریق آشنایی با آنها، به شناخت احکام جزئی و موارد خاص و موضوعی که مشمول این قواعد کلی است، موفق می‌شود.

۱۰. هدف و غرض از علم تجوید

حفظ و صیانت زبان از لحن و اشتباه در امر قرائت «کلام‌الله» است.

لحن و اشتباه در قرائت و انواع آن

لحن، به مفهوم اشتباه و انحراف از صواب و درستی در قرائت قرآن کریم است. لحن با چنین مفهومی بر دو نوع است: لحن جلی و آشکار، و لحن خفی و پنهان.

۱. لحن جلی و آشکار

این لحن و نادرست خوانی، عبارت از اشتباهی است که در عبارات و الفاظ پدید می‌آید، آن هم به گونه‌ای که مُخَلِّ به صحت قرائت بوده و موجب می‌شود که قرائت متداول قرآن کریم دچار اختلال شود. اعم از آنکه این اختلال، باعث اختلال در معنا و مفهوم کلمه شود، و یا آنکه در معنا و مفهوم، اختلالی پدید نیآورد؛ از قبیل تبدیل حرفی به حرف دیگر، و یا تغییر حرکتی به حرکت دیگر. تبدیل حرف، مانند تبدیل

«طاء» به «دال» و «تاء»، که این تبدیل به علت رعایت نکردن «استعلاء»<sup>۱</sup> - در ارتباط با تلفظ «طاء» - پدید می‌آید. اما تبدیل حرکت، مانند تبدیل فتحه «تاء» در «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» به ضمه و یا کسره، و یا تبدیل ضمه «دال» در «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ» به فتحه، که این گونه تبدیلهای مخمل به قرائت متداول و شناخته شده قرآن کریم است.

این نوع لحن و اشتباه را از آن جهت «جلی» و ظاهر و آشکار می‌نامند، که چون قراء و حتی توده مردم نیز لحن و غلط بودن آن را باز یافته، و قاریان قرآن و مردم عادی در اطلاع بر اشتباه آمیز بودن آن مشترک هستند، و همه می‌توانند به نادرست بودن آن پی ببرند.

## ۲. لَحْنُ خَفِيٍّ وَ پنهان

این گونه لحن و اشتباه که از مزیت و شایستگی برخوردار نیست، عبارت از اشتباهی است که در الفاظ و عبارات قرآنی به هم می‌رسد، و فقط مخمل به قرائت معمول و متعارف قرآن کریم است؛ اما از رهگذر آن، اختلالی در معنای الفاظ پدید نمی‌آید. مانند رعایت نکردن «عُتِّهِ» و مقصور خواندن ممدود، و ممدود خواندن مقصور، و نیز رعایت نکردن سایر قواعدی که در علم تجوید مطرح است، و باید این قواعد در جهت تحسین و نیکو تلاوت کردن قرآن کریم مورد عمل قرار گیرد.

علت اینکه لحن و اشتباه یاد شده را «خفی» و پنهان می‌نامند، آن است که فقط اهل فن، یعنی قراء می‌توانند به این گونه لحن و اشتباه پی ببرند.

لحن جلی، حرام و ممنوع است؛ و چنانچه فرد عمداً مرتکب آن شود، گناهکار محسوب می‌شود؛ لکن لحن خفی، مکروه است، و نزد اهل فن قرائت به عنوان نوعی عیب و نقص در ارتباط با قرائت قرآن کریم تلقی می‌شود. عده‌ای نیز ارتکاب لحن خفی را در قرائت قرآن کریم حرام می‌دانند؛ چون می‌گویند: این گونه لحنها موجب می‌شود که رونق و فروغ و زیبایی قرائت از میان برود.

۱. درباره این گونه اصطلاحات به طور مبسوط، بحث و گفتگو خواهد شد.

۲. یعنی کلمه‌ای که دارای مدّ است، بدون مدّ و کلمه‌ای که فاقد مدّ است، با مدّ قرائت شود.

## مراتب و درجات قرائت قرآن کریم

قرائت قرآن کریم را می‌توان - از لحاظ سرعت و یا آرام و آهسته تلاوت کردن - به چهار مرتبه و مرحله تقسیم کرد:

### ۱. ترتیل<sup>۱</sup>

عبارت از قرائتی است که با درنگ و آهستگی و آرامی توأم بوده و قاری، هر حرف از حروف و کلمات قرآن کریم را از مخارج خود تلفظ کرده و حق هر حرف و آنچه که درخور و شایسته آن است، بدان اعطا کند، و هم‌زمان با قرائت قرآن کریم، فکر و اندیشه خویش را در معانی و مفاهیم کلمات و آیات قرآنی به کار گیرد، و در محتوای قرآن کریم تدبّر کند.

### ۲. تحقیق

قرائت تحقیق<sup>۲</sup> عبارت از قرائتی است که به‌سان «قرائت ترتیل» می‌باشد، با این تفاوت

۱. ترتیل از نظر لغت به معنای نیکو تألیف و ترکیب کردن سخن و هویدا و آشکار خواندن و هموار و آرمیده و پیدا قرائت کردن است که با تکلف و تحمل دشواری همراه نیست. ابن‌الجزری می‌گوید:

ترتیل، مصدر «رَتَّلَ فُلَانٌ كَلَامَهُ» می‌باشد، به این معنا که فلانی سخن را - توأم با درنگ و اندیشه در معانی آن، و بدون شتاب - به دنبال هم بر زبان آورد. و این گونه قرائت، عبارت از همان قرائتی است که قرآن کریم بر طبق آن نازل شده است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِلاً».

(النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۲۰۷-۲۰۸)

۲. تحقیق از نظر لغت به مفهوم درست و راست کردن و رسیدگی و واری است. ابن‌الجزری می‌نویسد:

«لغت «تحقیق»، مصدری است که از «حَقَّقَتِ الشَّيْءَ تَحْقِيقًا» مأخوذ است، و بدین معناست که شخص در مورد چیزی به یقین و قطعیت برسد، و منظور از آن مبالغه و عنایت و اهتمام در اعطای حق آن چیز - بدون زیاده و نقصان در ادای حق - می‌باشد. پس تحقیق عبارت از رسیدن ←

که با درنگ و آهستگی فزون‌تری همراه است. چنین قرائتی غالباً در مقام تعلیم قرائت قرآن کریم مورد استفاده قرار می‌گیرد، تا زبان، بر تلاوتی درست و عاری از هر گونه نقص و عیبی در تلفظ حروف و کلمات و عبارات، ورزیده شود.

### ۳. حُدْر

قرائت «حدر»<sup>۱</sup> قرائتی را گویند که با سرعت انجام گیرد، مشروط بر آنکه احکام و

→ به حقیقت چیزی و آگاهی از ماهیت آن و وصول به منتهای شئون آن چیز است. اما تحقیق در اصطلاح قراء عبارت از اعطای حق هر حرف می‌باشد، از قبیل: اشباع مدّ، تحقیق همزه، کامل خواندن حرکات، اعتماد، یعنی استوار ادا کردن، اظهار و تشدیدها، رسایی در ادای غنه‌ها، تفکیک حروف - که عبارت از آشکار خواندن آنها و جدا کردن آنها از یکدیگر از راه سکت و ترسّل و آرامش در قرائت می‌باشد - ملاحظه و رعایت وقفهای جایز که نباید با قصر و اختلاس توأم باشد، و حرف متحرک، ساکن گردد و یا ادغام شود. بنابراین، قرائت تحقیق - به منظور ورزش زبان و درست ادا کردن الفاظ و انجام قرائت در نهایت ترتیل - مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنین قرائتی سزاست که در مقام تعلیم قرائت به کار رود، و نباید از رهگذر آن، فردی که تعلیم می‌دهد و یا قرائت را فرا می‌گیرد، دچار افراط گردد و در نتیجه، حروف ساکن را متحرک بخواند، و از اشباع مُفْرَط حرکات، تولید حروف نماید، و موجب تکرار راء نگردد، و از راه مبالغه در غنه‌ها طنین «نون» را ایجاد ننماید ... و بالاخره آنقدر بر حروف و کلمات فشار نیاورد که از صورت قرائت صحیح خارج شود. باری، باید گفت: قرائت تحقیق، نوعی از قرائت ترتیل است که روش حمزه و وُزْش و عده‌ای دیگر بوده است.»

(رک: النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۶)

۱. حدر از نظر لغوی به معنای راندن به سراشی، فرود آمدن از بالا به پایین، و فرو آمدن است.

«حَدْرُ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ وَالْقُرْآنِ.» «در گفتن و خواندن اذان و اقامه و قرآن شتاب کرد.»

ابن‌الجزری می‌گوید:

«حَدْرٌ، مصدر «حَدْرٌ، يَحْدُرُ» به مفهوم شتاب کردن و سرعت گرفتن می‌باشد، و از «حُدُور» اشتقاق شده است که به معنای فرود آمدن است. چون شتاب گرفتن لازمه فرود آمدن می‌باشد؛ برخلاف صعود و بالا رفتن که با کندی و آرامی و آهستگی توأم است. حُدْر در اصطلاح قراء عبارت از درنوردیدن قرائت و سرعت و سبک و روان ساختن آن از طریق قصر و کوتاه قرائت کردن و ساکن خواندن متحرک و اختلاس و ادغام کبیر و تخفیف همزه‌ها و امثال آنها است که همراه با وصل و ادای اعراب و مراعات ادای صحیح الفاظ و تمکن و ←

ضوابط قراءات، همراه با چنین قرائتی رعایت شود.

#### ۴. تدویر<sup>۱</sup>

آن قرائتی است که می‌توان آن را حد وسط میان قرائت ترتیل و قرائت حدر برشمرد، که مرحله‌ای میانگین آن دو است. بهترین و پرفضیلت‌ترین مراتب قرائت عبارت از «قرائت ترتیل» است؛ چون

→ استواری حروف انجام می‌گیرد. این نوع قرائت در نقطه مقابل و ضد قرائت «تحقیق» به شمار است. و قرائت حدر برای فزونی بهره و حسنات و احراز فضیلت تلاوت قرآن کریم مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ چون می‌خواهد از این طریق به تلاوت بخش زیادتری از قرآن کریم توفیق یابد. البته نباید حروف از رهگذر قرائت حدر دچار نقص و بریدگی گردد و صوت غنه از دست رود، و اکثر حرکات دچار اختلاس شود. و نیز باید از تفریط و سهل‌انگاری در قرائت خودداری گردد، و سهل‌انگاری را به جایی سوق ندهد که قرائت، صحت خود را از دست دهد، و سرانجام نتوان چنان قرائتی را «تلاوت» تلقی کرده و بالاخره نباید در قرائت حدر؛ از حد ترتیل و ظاهر ساختن حروف خارج گردد. قرائت حدر، روش ابن کثیر و ابی‌جعفر و قرآء دیگری از قبیل ابی‌عمرو و یعقوب و قالون و اصفهانی و کسانی است که منفصل را به قصر می‌خواندند.»

(همان، ص ۲۰۷)

۱. تدویر از نظر لغت دارای مفاهیم متعددی است، از قبیل: گرد گردانیدن، دور گردانیدن، طواف دادن، انقلاب و گردش،... و نیز «فلک تدویر» در اصطلاح هیئت، فلک کوچکی است که در میان فلک بزرگ تر قرار گرفته باشد (فرهنگ نفیسی، ج ۲، ص ۸۳۸). ابن‌الجزری می‌گوید: «تدویر در اصطلاح اهل قرائت، مرحله‌ای میانگین و معتدل بین دو مرحله قرائت تحقیق و حدر است، این نوع قرائت از اکثر ائمه قراآت - که منفصل را با مد قرائت می‌کردند - روایت شده است، و باید آن را قرائتی برشمرد که اکثر «اهل اداء» آن را پسند کرده بودند.»

(رک: همان‌جا)

یادآور می‌شویم: در کتاب *لطائف الاشارات لفنون القراءات* آمده است:

«هر ترتیلی تحقیق، و هر تحقیقی ترتیل است؛ و لذا اکثر این دو نوع قرائت را یکی می‌دانند با این تفاوت که تحقیق برای تمرین و تعلیم الفاظ است، و ترتیل برای تدبیر و تفکر، و میان این دو، از نظر عدم سرعت در قرائت تفاوتی وجود ندارد.»

قرآن کریم به همین کیفیت نازل شده است؛ آنجا که می‌فرماید:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا<sup>۱</sup> کفار گفته‌اند: چرا قرآن کریم، یکباره و به صورت یک مجموعه بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل نشد؟ بدین سان ما قرآن کریم را به تدریج و با درنگ و آرامی فرو فرستادیم تا قلبت را استوار نگاه داشته و دلگرمی تو را در اجرای مأموریت و رسالت تداوم بخشیم.<sup>۲</sup>

۱. سوره فرقان، آیه ۳۲.

۲. مرحوم طبرسی در ذیل تفسیر آیه: «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»، سوره مزمل، آیه ۴، می‌نویسد:

«قرآن کریم را روشن و واضح بخوان، و آن را با درنگ و آهستگی و آن گونه که تو را سزاست، سه آیه و چهار آیه و پنج آیه قرائت کن. واضح خواندن قرآن کریم - در عین تعجیل در قرائت - امکان‌پذیر نیست؛ بلکه باید تمام حروف آن را ممتاز از یکدیگر بر زبان آورده و کاملاً حق هر یک از آنها را ادا نمایی.»

الف) ابوحزمه می‌گفت به ابن عباس گفتیم: من کسی هستم که در قرائت و گفتگو، گرفتار حالت عجله و شتابزدگی می‌باشم. [راه چاره‌ای برایم بیندیش]. ابن عباس به وی گفت: اگر من بتوانم فقط سوره بقره را با ترتیل و درنگ و آرام بخوانم، از نظر من محبوب‌تر از آن است که تمام قرآن کریم را با [شتاب] تلاوت کرده باشم.

ب) بعضی نیز «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» را به «تَرَسَّلُ فِيهِ تَرَسُّلاً» تفسیر کرده‌اند که به مفهوم آهسته و پیدای و سنگین قرائت کردن است.

ج) برخی آن را به «تَثَبَّتْ تَثَبُّتًا» گزارش نموده‌اند که مفهوش قرائت قرآن کریم، توأم با درنگ و استقرار است.

د) از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در تفسیر آیه مذکور روایت شده است که فرمود: قرآن را واضح و پیدای قرائت کن، و آن را به سان شعر تقطیع نکن و در خواندن آن سرعت و شتاب مگیر، و همانند رمل و شن و ماسه پراکنده‌اش مساز، و آن را آرام بخوان، و از رهگذر قرائت آن بر دلهای سخت و غیر قابل انعطاف ضربه وارد کن؛ و نباید اهتمام شما بر آن باشد که با عجله و شتاب، سوره را به پایان رسانید.

ه) در تفسیر آیه مذکور از ابی‌عبدالله امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است که فرمود: آن‌گاه که بر آیه‌ای مرور کنی که در آن از بهشت سخن رفته باشد، از خداوند متعال بهشت را برای خویش درخواست کن؛ و چنانچه بر آیه‌ای بگذری که در آن از آتش دوزخ ذکری آمده باشد، از این آتش به خدای متعال پناه آور.

## سؤالهای تمرینی درس «مقدمه»

الف) تجوید را از لحاظ لغوی و اصطلاحی گزارش کنید.

→ و) سخن جالبی که در ارتباط با گزارش مفهوم «ترتیل» قابل ذکر به نظر می‌رسد این است که گفته‌اند: ترتیل آن است که آیات قرآن کریم را با نظم و ترتیب و پیاپی قرائت کرده، و هیچ لفظی را دگرگونه نخوانی، و مؤخر را مقدم بر زبان نیاوری. چون کلمه ترتیل از «تَرْتَلُ الْأَشْئَانُ» به معنای رده بودن و تساوی و حسن نظم و ترتیب دندانه‌ها است. وقتی عرب می‌گوید: «تَفَرُّ رَتْلٌ» این جمله را درباره کسی به کار می‌برد که دندانه‌هایش مرتب و منظم بوده و ناهمسانی در آن وجود نداشته باشد.

ز) عده‌ای می‌گویند: «رَتْلٌ» به معنای ضعف و نازکی و ظرافت است، و «رَتْلٌ» به معنای «لین» و نرم و نرمی می‌باشد. و این سخن از قطرب نحوی نقل شده است، و همو می‌گفت: منظور آن است که قرآن کریم را باید با صوتی حزین قرائت کرد. مؤید این توجیه و تأویل عبارت از روایت ابی‌بصیر از امام صادق (علیه‌السلام) است که در تفسیر آیه مورد بحث فرمود: باید در خواندن قرآن کریم درنگ را به کار داری و صوت خود را خوش و زیبا سازی. (ح) از ام سلمه روایت شده است که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آیه‌ها را از هم تقطیع می‌کرد، و به عبارت دیگر: قرآن را آیه به آیه تلاوت می‌فرمود و میان آیه‌ها درنگ می‌نمود. (ط) از آنس روایت شده که می‌گفت: حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) صدای خود را در تلاوت قرآن می‌کشید.

ی) از عبدالله بن عمر آورده‌اند که می‌گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمود: «يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ: اِقْرَأْ وَارْتَقِ، وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تَرْتَلُ فِي الدُّنْيَا، فَإِنَّ مَنَزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرُؤُهَا.»

(مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۳۷۷-۳۷۸).

ک) مرحوم فیض کاشانی راجع به معنای «ترتیل» می‌نویسد: از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) درباره «ترتیل القرآن» سؤال کردند، آن حضرت در پاسخ فرمود: «هُوَ حَفْظُ الْوُقُوفِ وَبَيَانُ الْحُرُوفِ». کاشانی این حدیث را چنین گزارش می‌کند که باید قاری قرآن کریم، وقف تام و حسن را رعایت کند که همان «حفظ الوقوف» است، و خصوصیات مهم حروف را - که عبارت از جَهْر، هَمْس، اِطْبَاق، استعلاء و امثال آنها است - در قرائت آنها به کار بَرَد که همان «بیان الحروف» می‌باشد.»

(التفسیر الصافی، ج ۱، ص ۶۱)

اجمالاً باید یادآور شد که اقوال و آرای مذکور - علی‌رغم اختلاف آنها - مجموعاً گویای یک مفهوم است که در هر یک از این آرا برخی از ابعاد ترتیل یاد شده است.



- ب) حکم تجوید و فائده آن را بیان نمایید.
- ج) حق حروف و آنچه را درخور و شایسته آنها است، شرح دهید.
- د) لحن و اقسام آن را توضیح دهید.
- ه) مراتب و درجات قرائت را بیان کرده و هر یک از آنها را تعریف کنید.